

معنای آیه ایاک نعبد و ایاک نستعین

"ایاک نعبد و ایاک نستعین" (حمد، ۵-۶) تنها تو را عبادت و پرستش می‌کنیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

کلمه عبادت از کلمه "عبد" گرفته شده است، و علی القاعده باید همان معنا را افاده کند. (استعانت هم به معنای کمک و یاری جستن است.) این که بنده، عبادت را به خودش نسبت می‌دهد، (ایاک نعبد می‌گوید) گویا برای خود ادعای استقلال - در وجود، قدرت و اراده - می‌کند، با این که مملوک هیچ‌گونه استقلالی در هیچ جهتی از جهاتش ندارد؛ چون مملوک است و گویا برای تدارک و جبران همین نقص که در ابتدای امر به نظر می‌رسد، اضافه می‌کند: "و ایاک نستعین"؛ یعنی همین عبادتمان هم به استقلال خودمان نیست؛ بلکه از تو نیرو می‌گیریم و استعانت می‌جوییم؛ پس دو جمله "ایاک نعبد و ایاک نستعین" یک معنا را می‌رساند و آن عبادت خالصانه است که هیچ‌گونه شایبه‌ای در آن نیست. (تفسیر المیزان، علامه طباطبایی؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۱، ص ۳۹ - ۴۳).

صیغه جمع "نعبد و نستعین" می‌تواند اشاره بر این مطلب باشد که اصل در نماز، جماعت است؛ چنان که در جای دیگر نیز می‌فرماید: "و اركعی مع الراکعین" (آل عمران، ۴۳) و با نمازگزاران رکوع کن.

دیگر اینکه: گویا علت آمدن پرستش و استعانت به صیغه متکلم مع الغیر (همان جمع فارسی)، دوری از خودخواهی و استکبار باشد و می‌خواهد به همین نکته اشاره کند که گفتیم: مقام عبودیت، با خودبینی منافات دارد، لذا بنده خدا، عبادت خود و همه بندگان دیگر را در نظر گرفته و می‌گوید: ما تو را می‌پرستیم؛ چون به همین مقدار هم در سرزنش نفس و دور افکندن تعینات و تشخصات اثر دارد، زیرا وقتی من خود را تنها ببینم به انانیت و خودبینی و استکبار نزدیک‌ترم؛ به خلاف این که خودم را مخلوط با سایر بندگان و آمیخته با سواد مردم (سیاهی لشکر) بدانم که اثر تعین و تشخص را از بین برده‌ام. (تفسیر المیزان، همان، ص ۴۲).